

بررسی پیامدهای فرهنگی و مدیریتی در زندگی عشایر ایران

عزت الله کیانی^۱؛ آرش جمال منش^۲، سید احسان ظهوری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

چکیده

کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ ترین جاذبه های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده ایلات و عشایر «دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی» لقب بگیرند. عشایر به شیوه ای جذاب و باورنکردنی طی قرن ها وسال های طولانی اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است.

مسکن عشایر و نوع زندگی آن ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین جاذبه های ایلات و عشایر است. بارزترین مشخصه ایلات و عشایر شیوه زیست آنان است که بر خلاف یک جا نشینان روستایی و شهری، در کوچ و نقل و انتقال دائمی سیاه چادرها و رمه های خود هستند. عشایر کوچ رو که یکی از جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی به شمار می آیند در همه نقاط ایران، در حوزه های غرب و جنوب غرب، شرق و جنوب شرق، شمال غرب، شمال شرق و مرکزی ایران ایلات و عشایر پراکنده شده اند.

کلمات کلیدی: ایلات، تکنولوژی، گردشگری، آداب و رسوم.

^۱. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات) ایمیل Ez.kiani@iau.ac.ir

^۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

^۳. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

مقدمه

از زمان شروع زندگی اجتماعی انسان ها و پیدایش روستاها تا کنون شاهد زندگی انسان ها به صورت کوچ نشینی هستیم. از کشورهای آسیای شرقی و مرکزی گرفته تا خاورمیانه و شمال آفریقا زندگی مشابه با کوچ نشینی و عشایری را تجربه کرده اند (برخورداری، ۱۳۹۴: ۸). در گوشه و کنار کشور خودمان نیز عشایر دوست داشتنی و پر تلاشی همچون گذشتگان خود به زندگی در طبیعت و کوچ نشینی ادامه داده اند. مردمانی با غیرت و سخت کوش که سالانه دو تا ۴ بار کوچ می کنند (افشار سیستانی، ۱۳۹۹: ۳۵). تا شرایط مناسب برای زندگی و دامداری را داشته باشند. کوچ نشینی و زندگی عشایری شاید در عکس ها و مستندها زیبا و رویایی به نظر برسد اما واقعا این طور است؟ چقدر در مورد عشایر کشورمان اطلاعات داریم.

در سراسر ایران اقوام و مردمان غیوری به شیوه کوچ نشینی یا یکجا نشینی زندگی می کنند که شغل و درآمد اصلی این عشایر از دامداری تأمین می شود (اسماعیل پور ف ۱۳۹۱: ۱۳). با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط زندگی عشایر، این اقوام در طول سال با خانواده، دام و وسایل خود از مکانی به مکان دیگری مهاجرت می کنند. عمده علت کوچ نشینی عشایر کمبود علوفه در ماه های سرد سال یا شرایط سخت زندگی است. به طوری که فصل بهار و پاییز زمان کوچ اکثر عشایر ایرانی است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۰).

عشایر ایرانی به سه دسته کوچ نشینی، نیمه کوچ نشینی و اسکان یافته تقسیم می شوند. اقوام کوچ نشین عشایری هستند که در چادرها زندگی می کنند و برای پیدا کردن منطقه مناسب برای گله داری و زندگی کوچ می کنند. عشایر نیمه کوچ نشین عمدتاً منطقه خاصی برای بیلاق و قشلاق دارند که در آنجا خانه های به خصوصی ساخته اند یا در چادر زندگی می کنند (شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۵). عشایر اسکان یافته نیز اقوامی هستند که مکان مناسبی برای زندگی در تمام فصول سال پیدا کرده اند و در جای به خصوصی زندگی می کنند و همانند دیگر عشایر به شغل دامداری و کشاورزی می پردازند.

عشایر در واژگان زبان فارسی به معنی دودمان و یا خاندان می باشد. ایلات ایران زمین، تاریخ ساز این سر زمین محسوب می شوند. در گذشته بیش از ۲۵ درصد از جمعیت کشور را ایلات و عشایر ایران تشکیل می داده اند که این آمار امروزه به کمتر از ۲ درصد کاهش یافته است. در هر یک از ادوار تاریخی، یکی از ایلات ایرانی دارای قدرت زیادی بوده و در امور سیاسی کشور نقش

مهمی را ایفا می کرده است. زندگی در ایلات مختلف دارای چهار چوب و قوانین مشخصی است و برخی از تناسبات در عشایر مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. در اغلب ایلات، روسایی وجود دارند، که امور مهم کل ایل بر عهده آنان است. تمام اهالی یک عشیره و یا ایل باید از تصمیم گیری های روسای خود پیروی نمایند. وجود تسلیحات نظامی نظیر اسلحه و نیروی مسلح، یکی دیگر از امور ضروری در ایل است. انضباط زندگی عشایری، شباهت زیادی به اردوی نظامی دارد. از این رو اهالی یک ایل همیشه باید آماده کوچ و سفر باشند (زاهدی، ۱۳۷۹: ۲۴).

دوران مشروطه، تجلی زندگی عشایری در ایران بود، به طوری که دو میلیون نفر از جمعیت ۸ میلیونی کشور را ایلات تشکیل داده بودند. این آمار در دوره پهلوی به شدت کاهش یافت. سران سلسله پهلوی با ارائه سیاست هایی نظیر رشد سرمایه داری و سرکوب عشایر، سبب شدند تا جمعیت ایلات کشور از ۲۵٪ به ۱۴٪ کاهش یابد (افشار سیستانی، ۱۳۹۹: ۴۱).

اما به طور کلی امروزه ۱۰۱ ایل در ایران وجود دارد که از ۵۹۸ طایفه مستقل تشکیل شده اند. جمعیت کنونی عشایر کشور در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ نفر می باشد. ایلات کشور با داشتن حدود ۵ میلیون رمه از دام زنده، تولید کننده بیش از ۲۵٪ از گوشت کشور نیز می باشند. عشایر ایران را اقوام مختلفی نظیر کرد، لر، ترک، عرب، ترکمن، فارس، براهویی و بلوچ تشکیل می دهند. در این میان ایلات کرد کشور که در بخش های غربی و قسمتی از خراسان شمالی زندگی می کنند، بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده اند.

مفهوم "عشایر"، عشایر افرادی هستند که به صورت دسته جمعی و با خانواده و تمام وسایل و دام های خود از مکانی به مکان دیگر کوچ می کنند. بزرگان عشیره با توجه به آب و هوای منطقه و تجارت خود، تصمیم به کوچ از منطقه ای به منطقه ای دیگر می گیرند. عشایر عمدتاً به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول در طول سال حداقل ۲ بار کوچ می کنند تا شرایط لازم برای زندگی و دامداری را داشته باشند. این اقوام از ارتفاعات بلند به ارتفاع پست یا بالعکس کوچ می کنند. دسته دوم عشایری هستند که در مناطقی خشک زندگی می کنند و به علت کمبود علف و آب در فصول مختلف سال کوچ می کنند.

آیا عشایر همان کولی‌ها هستند؟ خیر عشایر برای ادامه حیات و پیدا کردن شرایط مناسب آب و هوایی طی الگوی ثابت به بیلاق یا قشلاق می‌روند. اما کولی‌ها یا دوره‌گردها در گروه‌های کوچک و بزرگ در قسمت‌های مختلف جهان پراکنده‌اند و مکان مشخصی برای کوچ ندارند. از طرف دیگر شغل عشایر دامداری و کشاورزی است و به دور از شهر و روستاها زندگی می‌کنند. اما شغل کولی‌ها ساخت و تعمیر ابزار است و در نزدیکی روستاهای زندگی می‌کنند و با روستاییان تعامل دارند.

زندگی عشایری از سالیان دور آغاز شده و همچنان اقوام مختلفی به همان شیوه زندگی می‌کنند؛ زندگی ای ساده و به دور از هیاهو و مشکلات شهرنشینی. شاید از دور زندگی عشایری زندگی رویایی و لذت‌بخشی به نظر برسد. اما همین جابجایی و کوچ‌نشینی، دامداری و دوری از شهرها مشکلات خاص خودش را دارد.

در زندگی عشایری عمده فعالیت‌های سنگین بر عهده زنان عشایر است. خانواده‌های عشایری اکثراً پرجمعیت هستند و هر یک از اعضای خانواده مشغول کمک به خانواده‌ها هستند. آن‌طور که به نظر می‌رسد، زندگی کوچ‌نشینی و عشایری بیشتر در سرزمین‌های نیمه‌خشک و حاشیه‌ای رواج دارد. از این رو شغل عمده عشایر دامداری است و کمتر اقوامی را می‌بینید که در کنار دامداری کشاورزی هم می‌کنند (افشار سیستانی، ۱۳۹۹: ۳۰).

تاریخچه زندگی عشایری در ایران به زمان حمله‌های فراوان دشمنان باز می‌گردد. در زمان حمله مغول‌ها به ایران بسیاری از روستاییان زندگی متحرک و به اصطلاح عشایری را بر می‌گزیدند تا از گزند دشمنان در امان باشند. این افراد محل زندگی خود را در دشت‌ها و کوه‌ها انتخاب می‌کردند.

در کشور ایران عشایر کوچک و بزرگی زندگی می‌کنند که برخی از آن‌ها همانند ایل ترکمن، کرد، بختیاری، شاهسون، لر، قشقایی و ... شناخته شده هستند.

عشایر غرب و جنوب ایران

غرب و جنوب ایران به واسطه وجود رشته کوه زاگرس، طبیعت و مراتع غنی و آب‌وهوای مرطوب یکی از مناطق مناسب برای زندگی عشایری محسوب می‌شود. ارتفاعات سرسبز، دره‌های جنگلی و آب و هوای معتدل منطقه سبب شده تا عشایر این منطقه کمتر نیاز به کوچ‌های مداوم داشته باشند. عشایری که در محدوده استان آذربایجان غربی و کردستان زندگی می‌کنند، ایلات شکاک، طواف بانه، طواف سقز، زرزاء، ایلات گلباغی و ... هستند.

در استان های کرمانشاه، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، خلیج فارس و اصفهان نیز دیگر اقوام عشایر زندگی می کنند که همچنان در طول سال کوچ می کنند. این اقوام آداب و رسوم و لهجه خاص خودشان را دارند. رقص، موسیقی، خوراک، پوشش و ... برای مردمان عشایر جایگاه مهمی دارد. از مهم ترین اقوام عشایر غرب و جنوب ایران می توان به عشایر بختیاری، قشقایی، عرب، کلهر، قلخانی، لر، ایل سرخی و ... اشاره کرد. در سال های اخیر و به واسطه پخش مستندهای مختلف در مورد زندگی عشایر مردم بهتر با زندگی این مردمان آشنا شده اند. در این بین زندگی عشایر بختیاری و مسیر کوچ های سخت و نفس گیر این اقوام مورد توجه رسانه های مختلفی قرار گرفته است.

عشایر شرق و جنوب شرق

بخش شرق و جنوب شرقی ایران به دلیل شرایط خاص آب و هوایی دارای تنوع اقلیمی شدیدی است. اما به طور کلی این منطقه دارای آب و هوای گرم و کویری و کم آب است. از این رو بیشترین جمعیت عشایر این منطقه در امتداد کوهستان های مرکزی کرمان ساکن شده اند. از مهم ترین اقوام این منطقه نیز می توان به عشایر بلوچ اشاره کرد که همواره در اثر محدودیت های منبع در شرایطی خاصی زندگی می کنند.

عشایر شمال غرب و شمال شرق

حوزه شمال غرب و شمال شرق ایران به خاطر وسعت زیاد خود دارای اقلیم های متنوعی است. از اقوام مهم منطقه شمال غرب می توان به ایل شاهسون، ایل میلان، ایل جلالی و .. اشاره کرد که عمدتاً در آذربایجان شرقی، حاشیه رود قزل اوزون و کوه های طالش زندگی می کنند. ایلات و عشایر حوزه شمال شرق ایران از زمان های دور در این منطقه زندگی می کنند. از مهم ترین ایلات این منطقه می توان به ایلات زعفرانلو، قاچورلو، شادلو، قره قویونلو اشاره کرد. ترکمن ها در این منطقه با پوشش زیبا، مراسم های جذاب و محل زندگی خاص خود همواره مورد توجه گردشگران قرار دارند. این عشایر از معدود قوم هایی هستند که اجزیره می دهند تا گردشگران بدون هیچ دغدغه ای در مراسمات آن ها شرکت کنند و زندگی آن ها را از نزدیک لمس کنند.

عشایر مرکزی

در حوزه مرکزی ایران طوایف ترک شاهسون بغدادی، کلهر، غیاثوند، کل کوهی، میش مستی، یارم طاقلو به شیوه عشایری زندگی می کنند. عمده عشایر این منطقه در استان های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران و مازندران هستند.

ساختار زندگی مردم عشایر

در زندگی کوچ نشینی عشیره وظایف زیادی دارند که باید با کمک یکدیگر آن ها را انجام دهند. عشیره به تمام خانواده هایی که با یکدیگر کوچ می کنند می گویند. ستون و پایه اصلی حیات زندگی عشایری به خانواده و همبستگی قومی بستگی دارد. به طوری که خانواده های عشایری بدون همسر نمی توانند معنا داشته باشند. در مواقعی نیز شاهد چند همسری در بین عشایر هستیم تا سرپرست خانواده بتواند از عهده تمام کارها و مسئولیت هایش بر آید. در زندگی عشایری کودکان نیز از همان دوران کودکی وظایفی را بر عهده دارند.

البته زندگی عشایری در بخش های مختلف ایران بسته به فرهنگ، اعتقادات، اقتصاد و سنت ها با دیگر اقوام عشایر متمایز است. عشایر هر خطه ایران پوشش خاص خودش را دارد و در طول زندگی خود مهارت های حرفه ای آموزش می بینند. برای مثال عشایر بختیاری تیراندازان ماهری هستند(افشار سیستانی، ۱۳۹۹: ۳۷).

مردمان عشایر با سبک زندگی خاص خود و توانسته اند زندگی متفاوتی را در دل طبیعت رقم بزنند. این مردمان بنا به صلاح سرپرست عشیره در فصول مختلف سال کوچ می کنند و همواره به دنبال مکان مناسبی برای ادامه حیات و دامداری هستند. عشایری غیور و سخت کوش که دست به دست هم می دهند همانند اجداد خود زندگی به دور از هیاهو و دغدغه های شهرنشینی را تجربه کنند. عشایر ایران در تاریخ ایران بارها به کمک هم وطنان خود شتافته اند و در کنار هم در برابر ظلم و استکبار ایستاده اند.

فرهنگ عشایر فارس

اگرچه مشغله های زندگی ماشینی این روزها به زندگی عشایری نیز رسوخ کرده و کوچ ماشینی جای خود را به کوچ سنتی سال های پیشین داده، اما هنوز رگه هایی از زندگی سنتی و ایلی را میان طوایف عشایر فارس می توان دید که بیانگر عمق فرهنگ و زندگی سنتی عشایر این اقلیم است(اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۱۷).

ویژگی های فرهنگی عشایر فارس بی شک یکی از مهم ترین جاذبه های گردشگری این استان در جلب گردشگران مختلف ایرانی و خارجی است که آداب، موسیقی و صنایع دستی از جمله این ویژگی هاست. فارس که مهد کهن آداب و آیین های فرهنگی ایران زمین است، جایگاهی برای زیست عشایر و کوچ و رفتن به بیلاق و قشلاق ایلات است. عشایر فارس در گذر تاریخ بنیانگذار فرهنگ غنی در سرزمین فارس بوده اند و بخشی از فرهنگ ایلات در نوع زندگی آنان متجلی است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۰).

موسیقی

تجلی خواسته ها و نیازهای یک ایل یا یک قوم را به صورت عملی در موسیقی آن قوم می توان دید. موسیقی یک ایل مثل همه چیز ایل، رنگ و شکل خاصی دارد و همان قدر که ساده است زیبا و دلفریب نیز است. این موسیقی هرچند نتوانسته از قید غم و اندوه رهایی پیدا کند، ولی در بسیاری از آهنگ ها و بویژه آهنگ های رقص و تصنیف شادابی دیرین خود را به نحو کاملی حفظ کرده است. نی، ساز و دهل ابزارهای نواختن هستند که در موسیقی عشایر فارس و ایل قشقایی جایگاهی خاص دارد و معمولاً در آیین های شاد و حتی در سوگواری ها از برخی از آنها استفاده می شود. عشایر قشقایی بزرگ ترین قوم عشیره ای فارس است.

لباس های عشایری

لباس های محلی مردان و زنان قشقایی نیز جاذبه های خاصی دارد و آوازه آن تا دوردست ها نیز رفته و امروزه به یکی از مهم ترین جاذبه های فرهنگی این قوم تبدیل شده است. پوشاک زنان عشایر شامل کلاهک، آرخالق، تنبان و پاپوش است که بیشتر در رنگ های شاد و متنوع و الهام گرفته از طبیعت تهیه می شود. پوشاک مردان ایل را هم کلاه، پیراهن، آرخالق، شال کمر، چقه و کپنک تشکیل می دهد. ایلاتی ها در گذشته دارای آرخالق و شال و کلاه های بدون لبه و نمدی بوده اند و در عصر پهلوی ناچار شدند مثل دیگران لباس یک شکل بپوشند (اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۱۵).

صنایع دستی

تولیدات صنایع دستی عشایر فارس نیز شهرت جهانی دارد. در میان عشایر فارس هنوز زیباترین هنر دستی قالببافی است که آمیزه ای از کار و تلاش و هنر است که با دست های سختکوش زنان عشایر

بافته می‌شود. گبه بافی نیز همچون قالیبافی از جمله بافته‌های عشایر است. گبه تجلی زیبایی طراوت و شادی زندگی عشایری است که مانند پیراهن رنگ به رنگ زنان ایل موجی از رنگ‌های شاد طبیعت را در خود جای داده است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۳).

زمینه اصلی این فرش، دشت‌های سرسبزی است که عشایر در آن زندگی می‌کنند. گویی تمام زیبایی‌های طبیعت در زمان کوچ با دست دختران و زنان هنرمند قشقایی به این فرش‌های کوچک نقش بسته است. گلیم قشقایی شاهکاری از هنرمندی زنانی است که به تنهایی (پس از چیدن پشم) ریسندگی، رنگ‌آمیزی، چله‌کشی و بافت گلیم را برعهده دارند. گلیم‌های اصیل قشقایی از پشم صد درصد خالص تهیه، شسته و سپس بافته شده‌اند.

قطر الیاف آنها بسیار نازک و خامه مصرفی‌شان بسیار ظریف است. شاید بتوان گفت ثبات رنگ در مقابل سستشو و نور مهم‌ترین عاملی است که موجب شهرت گلیم قشقایی شده است. از دیگر عواملی که گلیم قشقایی را سرآمد گلیم‌های جهان کرده، فشردگی و ریزه کاری‌های آن است. جاجیم نوع دیگری از دستبافته‌های عشایر است. جاجیم در لغت به معنی پلاس است و از نخ‌های رنگین و ظریف پشمی یا پنبه‌ای یا مخلوط هر دو بافته می‌شود.

کاربرد این فرش در ایلات و عشایر زیاد است و به عنوان روانداز و محافظ سرما مورد استفاده قرار می‌گیرد. جاجیم بافته‌ای خشن و زبر است ولی با استفاده مداوم از آن، در اندک مدتی لطافت و ظرافت پیدا می‌کند. عشایر فارس از ۳ ایل بزرگ قشقایی، خمسه و ممسنی به انضمام ۸ طایفه مستقل تشکیل شده است. جمعیت کلی عشایر استان فارس بالغ بر ۱۸۰ نفر است که حدود ۱۴ درصد جمعیت عشایری کشور و ۵ درصد جمعیت استان فارس را شامل می‌شود. این عشایر سالانه بیش از ۵۷ هزار مترمربع صنایع دست‌بافت تولید می‌کنند.

زندگی جالب عشایر ایرانی باستانی ترین روش زندگی بشر است، ویژگی ای که آن را به عنوان یک جذابیت از دوران فن آوری در می آورد. تقریباً در همه جای دنیا، عشایر عرف و آداب و رسوم محلی خود مانند سبک زندگی خود، زبان، موسیقی، غذای محلی، لباس، مراسم، و غیره را حفظ کرده اند. این روح زندگی عشایری در ایران است. همانطور که آنها نسیم تازه پاییز را احساس می کنند که به آنها می گوید روزهای سرد در راه هستند، از قرن هشتم تا ششم پیش از میلاد قبیله های ساکن آسیای میانه و ایران به دلیل رشد اقتصادی دامپروری به زندگی یک زندگی عشایری روی آوردند.

کهن ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ ترین جاذبه های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده ایلات و عشایر دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی لقب بگیرند. عشایر به شیوه ای جذاب و باورنکردنی طی قرن ها و سال های طولانی اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است (اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۱۶).

آنچه که در زندگی عشایری خیلی ملموس است حضور و تلاش زنان نسبت به مردان است. زنان عشایری زنان قدرتمندی هستند که بخش عمده ای از مسئولیت های زندگی کوچ نشینی بر دوش آنها است. مسئولیت هایی که هر کدام در ذهن گردشگران چون یک جاذبه از سبک خاصی از زندگی تجلی پیدا می کند. تربیت کودکان، شیردوشی، ماست زنی، کره گیری و بسیاری فعالیت های دیگر در ایل را زنان انجام می دهند و قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم و گبه که حاصل فکر و اندیشه و خلاقیت زنان عشایر است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۷). مسکن عشایر و نوع زندگی آنها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین جاذبه های ایلات و عشایر است. مردم کوچ نشین از نظر پوشاک فرهنگ بسیار جالبی دارند به طوری که لباس آنها به ویژه لباس زنان آنان، شهرت جهانی دارد.

مسئله قومی و فرهنگی که با شکوفایی استعدادها و سلیقه ها همراه است. وجود مواد اولیه بافت پارچه و پوشاک نظیر مو، پشم گوسفند، کرک، پنبه و ابریشم که در سطح مناطق عشایری تولید می شود.

برای فرار از سرما به انواع کلاه پشمی و پوشش های نمدی نیاز دارند یا زن ها برای حفظ وجاهت خود، از لباس های بلند و روسری های رنگین و جالب استفاده می کنند، اما شکل، دوخت، اندازه و انتخاب رنگ ها در طوایف کوچ نشین نوعی وحدت فرهنگی به آنان بخشیده که علاوه بر مرغوبیت و جاذبیت، شهرت ویژه ای نیز برای این جوامع کوچ نشین فراهم کرده است.

مسکن عشایر و نوع زندگی آنها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین جاذبه های ایلات و عشایر است.

بارزترین مشخصه ایلات و عشایر شیوه زیست آنان است که بر خلاف یک جا نشینان روستایی و شهری، در کوچ و نقل و انتقال دائمی سیاه چادرها و رمه های خود هستند. عشایر کوچ رو که یکی از

جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی به شمار می آیند در همه نقاط ایران، در حوزه های غرب و جنوب غرب، شرق و جنوب شرق، شمال غرب، شمال شرق و مرکزی ایران ایلات و عشایر پراکنده شده اند (امان اللهی، ۱۳۹۸: ۱۱).

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه های زاگرس از کوه های آرات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه های پاکستان می رسند.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره های پرآب و جنگلی و دشت های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام داران را از رنج کوچ های طولانی و برون منطقه رهایی بخشیده است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۱).

عشایر کرد از زمان های گذشته در شمالی ترین بخش زاگرس در محدوده استان های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده اند که امروزه برخی از آن ها در کوهستان های اطراف اسکان یافته اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا، قره پاپاقدر استان آذربایجان غربی و ایلات گلباغی، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طواف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجایی، گوران و کرد در این منطقه پراکنده شده اند.

ایلات و عشایر کرد ایران نیز به عنوان حافظان آداب و رسوم و سنت های این قوم بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار هستند و دارای جاذبه های گردشگری فراوانی هستند. جامعه عشایری جایگاه ویژه ای دارند. قوم کرد از لحاظ فرهنگی سابقه چشمگیری دارد. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارند.

طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یک دیگر تفاوت دارند. ایلات و طوایف لک در شمال و شمال باختری لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است (امان اللهی، ۱۳۹۸: ۱۰).

در گذشته لک ها به طوایف وند و لرها به فیلی شهرت داشتند. الوار ایران در لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی از استان فارس و بوشهر زندگی می کنند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند.

عشایر کوچ نشین گروهی از افرادی هستند که به همراه قبیله، خانواده و کلیه وسایل خود از یک مکان به مکان دیگر می روند، کوچ نشینی سبک زندگی قبیله ای است و اقتصاد آنها مبتنی بر گله داری است. جابجایی از یک مکان به مکان دیگر و حرکت به عنوان یک گروه بزرگ مهمترین جنبه های زندگی عشایری است.

کوچ عشایر در تابستان به بیلاق (حومه خنک تر) و به پشت به قشلاق (مناطق گرمتر) در زمستان منتقل می شوند و تغییر در فصول با سفر تور عشایری ایران فرصتی برای بازدید از این جاذبه عالی است که هنوز در قرن بیست و یکم وجود دارد.

از زمانهای گذشته تاکنون بخشی از مردم در پهنه جغرافیایی ایران نوعی از زندگی را برگزیده اند که با استفاده از چراگاه های طبیعی، به پرورش دام می پردازند و فعالیت عمده آنها دامداری است. جامعه عشایری کشور در کنار جامعه شهری و روستایی جامعه سومی را به وجود آورده است. این جامعه با گذشت قرون، در اثر عوامل گوناگون اهمیت خود را از دست داده است. از زمانهای قدیم ایلات و عشایر کشور در نقاط پرجمعیت سهم مهمی در اداره مملکت به عهده داشته اند (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۳).

ایل که همواره با کوچ همراه می باشد واژه ای ترکی است به معنی دوست، موافق، همراه، یار، رام، مطیع، طایفه، قبیله، گروه و مخصوصاً به مردم چادر نشین اطلاق می گردد. در متن تاریخی واژه ایل نخستین بار به هنگام حکومت ایلخانان به کار برده شده است و بر اقوام کوچ نشین و نیمه کوچ نشین شبان دلالت میکند.

به نظر می رسد که افراد یک گروه کوچ اگر عمدتاً با هم دارای نسبت های خویشاوندی نسبی و سبب هستند و به طور کلی یک شبکه خویشاوندی را تشکیل می دهند که در مواردی رابطه خویشاوندی میان آنها پنهان است (امان اللهی، ۱۳۹۸: ۱۵).

آنچه که در زندگی عشایری خیلی ملموس است حضور و تلاش زنان نسبت به مردان است. از تولید و بافت سیاه چادر، چیت، قالی، گلیم، گبه، جاجیم و نخ ریسی گرفته تا فرآوری ماست، کره، روغن، پنیر، کشک، دوغ، پخت نان و در نهایت بچه داری، با زنان است و اصولاً عشایر سهم قابل توجهی در تولید

و عرضه گوش قرمز، لبنیات و پشم دارند. ریشه مایه های نقوش، قالی ها و گلیم های عشایر در واقع انعکاسی از عناصر طبیعت پیرامونی آنان است.

کوچ عشایر از جابجایی و حرکت افراد و خانوارهای عشایری بین قلمروهای بیلاقی (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) که با هدف دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای تغلیف احشام و اهتراز از گرما و سرمای شدید انجام می گیرد. کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، بار و بنه و سرپناه قابل حمل در قالب رده های ایلی و یا امروزه به صورت انفرادی و تک خانواری صورت می گیرد. کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به وجود نمی آورد.

مسیر کوچ: به خط سیر حرکت و جابجایی عشایر کوچنده از بیلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیرهای سنتی کوچ عشایر «ایلراه» گفته می شود.

زیست بوم عشایری: محدوده ای از سرزمین و قلمروایل و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل بیلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۴).

بیلاق یا سردسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن می گذرانند. در بین برخی از عشایر به بیلاق، سرحد نیز گفته می شود.

قشلاق یا گرمسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می کنند.

میان بند: به مناطق بین قلمروهای بیلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می شود. مسیرهای عبور عشایر (ایل راهها) و اتراق گاه های موقت بین راهی در میان بند قرار داشته است. همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییزچر بوده است.

دستور غذاهای بعضی از عشایر آلوچه های زرد و سیاه، محصولات تازه و سالم همچون کشک های سفید عشایر، روغن و کره حیوانی تازه و عسل ناب از فرآورده های عشایری است.

برکوشیری: از گندم، شیر و گیاه لیزک تهیه می شود که برای تهیه آن بلغور گندم را با شیر پخته و سپس لیزک را به آن اضافه می کنند و مانند پلو دم کرده و به مصرف می رسانند.

تلی ناردونه: از ناردانه، نمک، پیاز و روغن تهیه می شود که ابتدا دانه انار را می کوبند و آب را از دانه جدا می کنند، سپس پیاز را در روغن سرخ کرده و آب انار و نمک را به آن می افزایند و آب بدست آمده را مانند گوشت با نان تریت می کنند و می خورند.

سوغات محلی این سرزمین، با طبیعت و کشاورزی و دامداری گره خورده است و گیاهان دارویی استان همچون باریجه، آویش دنايي، کاسنی، شیرین بیان، گل گاوزبان، بابا آدم، بو مادران، شکر تیفال، ختمی، افدرا، دم اسب، بلوط و گلایبی وحشی می تواند سوغاتی باشد که هر کدام هزاران خواص را از طبیعت غنی کوه دنا به یادگار دارند.

کله جوشک یا کلک سوز، نوعی غذای ساده است که از دوغ درست می شود. ابتدا پیاز و پونه را در روغن تفت می دهند و پس از این که پیاز قرمز رنگ شد، دوغ را به آن اضافه می کنند. معمولاً به تعداد هر نفر یک لیتر دوغ استفاده می شود. سپس کمی ادویه به آن اضافه می کنند و می جوشانند و زمانی که غلیظ و سبز رنگ شد، با نان محلی آن را می خورند.

آش کارده معروف ترین آش استان است که از گیاه محلی «کارده» تهیه می شود. این گیاه در فصل بهار در کوهها رشد کرده و به صورت تازه قابل خوردن نیست و حتماً باید در این آش مورد استفاده قرار بگیرد. برای تهیه این آش کارده را خرد کرده و در آبلیمو می خوابانند تا ترش شود و بعد می جوشانند و گندم و برنج نیم کوب به آن اضافه می کنند.

تلی رملک تهیه این غذا از دانه رملک، ادویه، نمک، پیاز و روغن استفاده می کنند. رملک درختچه ای است با برگ های خاکستری که دارای دانه های ترش و شیرین بوده و شبیه کنار است و در کوههای زاگرس می روید. برای تهیه این غذا رملک را پخته تا پوست و هسته آن از هم جدا شود سپس هسته و پوست آن را دور ریخته و آب ترش آن را با افزودن نمک در پیاز داغ سرخ می کنند و مانند آب گوشت با نان تریت می کنند.

شله لیزکی برای تهیه این غذا از شیر گیاه لیزک و برنج استفاده می شود. طرز تهیه آن شبیه شیر برنج است با این تفاوت که به آن لیزک می افزایند.

تپور از دوغ تهیه شده و برای طبخ آن مقدار زیادی دوغ را در یک دیگ می ریزند همینکه گرم شد دوغ خالص مانند پنیر روی سطح جمع شده که آن را جدا کرده و به مصرف می رسانند و بسیار لذیذ و خوشمزه است.

گونه یکی از غذاهای لذیذ سنتی استان است که از ترکیب بلغور گندم، پیاز، ناردانه، ادویه و نمک تهیه می شود و برای پخت آن بلغور گندم را با آب و پیاز و نمک و ادویه و ناردانه مخلوط کرده و می پزند تا زمانی که آب آن تبخیر شود و سپس مثل دمپخت دم می کنند (برخورداری، ۱۳۹۴: ۷).

آش دنگو از غذاهای محلی کهگیلویه و بویراحمد است که سرشار از حبوبات بوده و پخت آن در فصل زمستان بیشتر رواج دارد و این آش برای سرماخوردگی بسیار مناسب است. مواد به کار رفته در تهیه این آش عدس، لوبیا چشم بلبلی، ماش، نخود، گندم، ادویه، زردچوبه، نمک و آب است. برای تهیه این آش ابتدا آب مورد نیاز باید روی اجاق قرار گرفته تا جوش بیاید و گندم را به آن اضافه می‌کنیم و گندم باید به نسبت مواد دیگر زیادتر بپزد.

بعد از چند دقیقه که گندم پخت، نخود را اضافه کرده و در ظرف را گذاشته تا کاملاً پخته شود. بعد از پخت کامل گندم و نخود بقیه مواد را اضافه کرده و اجازه می‌دهند تا مواد کاملاً با هم پخته شوند. در آخر بن‌سرخ را که در زبان محلی به آن لیزک می‌گویند به مواد اضافه کرده و وقتی آش کامل پخت ادویه‌ها را اضافه می‌کنند.

طوایف عشایری ایران، تجلی غیرت و میهن پرستی

ایران کشور بیست که از نژادهای مختلف تشکیل شده است. وجود مردم ترک زبان در کنار لک زبانان غرب کشور و کردهای کردستان، یکی از جذابیت‌های کشور چهار فصل ایران است. اما در ایران علاوه بر زندگی شهری و یک‌جا نشینی، زندگی عشایری نیز در جریان است (مشیری، ۱۳۹۶: ۴۲).

طوایف عشایری ایران شامل قوم کرمانج، لک، شاهسون و... می‌شوند. تعدد این طوایف جمعیت زیادی را شامل می‌شود. بازدید از زندگی عشایری، یکی از جاذبه‌های توریستی کشور محسوب می‌شود. از این رو مسافران زیادی برای آشنایی با عشایران غرب کشور به هتل‌های شهرکرد و هتل‌های خرم‌آباد می‌روند و در آنها اقامت دارند (برخورداری، ۱۳۹۴: ۶).

عشایر کرد

طوایف کرد در بخش‌های زیادی از کشور پراکنده شده‌اند. برای مثال در قسمتی از خراسان رضوی و استان خراسان شمالی، مردمی وجود دارند که به زبان کرمانجی صحبت می‌کنند. این طوایف از ایل افشار هستند که در زمان شاه عباس از غرب دریاچه ارومیه به این مناطق کوچ نموده‌اند.

عشایر کرد شمال شرقی کشور عبارتند از طوایف زعفرانلو، سعدانلو، شادلو، عمارلو، کیوانلو، کاوانلو، حسنلو، مژدکانلو، بهادرانلو، رشوانلو، بیچرانلو، پهلوانلو و اما در غرب کشور نیز می‌توان طوایف مختلف کرد را مشاهده نمود. طوایف کرد آذربایجان شرقی شامل چلبیانلو، محمدخانلو، حاجی علیلو، قراچولو، حسین اوغلو و حسن بیگلو می‌شود. طوایف ایل جلالی، حیدرلو، ایل زرزا، ایل شکاک، ایل مکری، ایل گورک، پیشدری نیز از جمله ایلات کرد آذربایجان غربی هستند.

اما مهم ترین ایلات کرد در کردستان، سرشیو، تيله کویی، جاف، اردلان، هلیلان می باشند. طوایف فیض الله بیگی، شهیدی، کلالی، سقز، شاه ویسی، حبیبی، خواجه وند، لطف الله بیگی، چهاردولی و ... نیز از جمله ایلات معروف این استان به شمار می روند.

طوایف گوران، شرفیانی، نانکولی، ایل جمور و کندی از ایلات کرد کرمانشاه و طوایف ارکوازی، ایل بولی، ایل ناصر عالی، ایل میه خاس و ... نیز از جمله ایلات کرد ایلام هستند. ایل خزل در خوزستان نیز از جمله مهم ترین ایلات کرد این استان محسوب می گردد.

عشایر لر و لک

ایلات و عشایر لر و لک اغلب در شمال و شمال غربی استان لرستان سکونت دارند و با گویش لری تکلم می کنند. اما می توان گفت که قوم لر در ایران به دو دسته لر بزرگ و لر کوچک تقسیم می شود. لرهای کوچک اغلب در استان ایلام و لرستان زندگی می کنند. اما برخی از آنها در شمال خوزستان و بخش هایی از مناطق شرق عراق سکونت دارند. لرهای بویر احمدی در استان کهگیلویه و بویراحمد و قسمتی از خوزستان ساکن هستند. در استان فارس و شهرستان ممسنی نیز، لرهای ممسنی زندگی می کنند.

لرهای بختیاری بخش عمده ای از ایلات لر کشور را تشکیل می دهند که اغلب در جنوب شرقی خوزستان، شرق استان لرستان، غرب و جنوب غرب اصفهان و در بخش هایی از چهارمحال و بختیاری ساکن هستند. ایل های لک به طور کلی از طوایف فیلی و بالاگریوه کشور تشکیل شده اند که در غرب کشور و جنوب لرستان حضور دارند.

عشایر ترک

ایلات ترک قشقایی ایران، دارای ۲۲ طایفه مهم هستند. عشایر ترک زبان کشور اغلب در بسیاری از بخش های ایران سکونت دارند. طوایف اصانلو، ایل افشار، ایل شاهسون، ایل آغاچاری، ایل قراگوزلو، ایل قاجار، اینانلو، بهارلو، بچاقچی، حاجی خانلو، ایل قشقایی، ایل پازوکی، قرایلو، قشقایی، کور عباسلو و ... تشکیل دهندگان اصلی ایلات ترک کشور به شمار می روند.

جایگاه اصلی ایل قشقایی در استان فارس است، اما می توان این طایف را در استان های خوزستان، اصفهان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد نیز مشاهده نمود. ایلات ترک زبان کشور دارای جمعیتی حدود ۹۵۹۰۰۰ نفر می باشند(برخورداری، ۱۳۹۴: ۵).

قشقای‌ها مردگان خود را در سر راه کوچ ایل دفن می‌کنند تا در هنگام کوچ بتوانند برای آنها فاتحه بخوانند. آنها برای بزرگان و خان‌های ایل، آرامگاه‌های زیبایی می‌سازند. عشایر قشقای در چادرهایی زندگی می‌کنند که سقف آن از موی بز بافته شده و به آن سیاه چادر می‌گویند. ایلسون و یا شاهسون نیز یکی از ایلات مهم در کشور است که در اردبیل، گیلان و آذربایجان شرقی سکونت دارد. جمعیت این ایل معروف ایرانی در حدود ۴۷۲۴۸ نفر می‌باشد و جزو پر جمعیت‌ترین ایلات کشور به شمار می‌رود.

ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه‌های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه‌های زاگرس از کوه‌های آرات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه‌های پاکستان می‌رسند. منطقه یاد شده شامل استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس می‌شود.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره‌های پرآب و جنگلی و دشت‌های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام‌داران را از رنج کوچ‌های طولانی و برون منطقه‌رهایی بخشیده است.

عشایر کرد از زمان‌های گذشته در شمالی‌ترین بخش زاگرس در محدوده استان‌های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده‌اند که امروزه برخی از آن‌ها در کوهستان‌های اطراف اسکان یافته‌اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا، قره‌پاپاق و... در استان آذربایجان غربی و ایلات گلباغی، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طوایف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده‌اند (زاهدی، ۱۳۷۹: ۲۵).

در استان کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجابی، گوران و کرد در این منطقه پراکنده شده‌اند.

ایلات و عشایر کرد ایران نیز به عنوان حافظان آداب و رسوم و سنت های این قوم بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار هستند و دارای جاذبه های گردشگری فراوانی هستند. جامعه عشایری جایگاه ویژه ای دارند. قوم کرد از لحاظ فرهنگی سابقه چشمگیری دارد. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارند.

طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یک دیگر تفاوت دارند. ایلات و طوایف لک در شمال و شمال باختری لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است. در گذشته لک ها به «طوایف وند» و لرها به «فیلی» شهرت داشتند. الوار ایران در لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی از استان فارس و بوشهر زندگی می کنند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند.

عشایر لر را به لر کوچک (الوار لرستان و ایلام) و لر بزرگ (الوار بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی فارس) تقسیم می کنند. لک ها در واقع جنوبی ترین قبایل کرد به شمار می آمده اند که امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند. ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می کند بزرگ ترین ایل کوچنده کشور ایران است.

در منطقه کوهمره که منطقه ای جنگلی بین کازرون و فیروزآباد فارس است ایلات و طوایفی پراکنده شده اند که مهم ترین آن ها ایل سرخی خوانده می شود. در این منطقه زندگی کوچ نشینی رونق دارد و در بخش های اسکان یافته نیز فرهنگ عشیره ای و گویش های متنوع و آداب و رسوم خاص آن ها حاکم است. بررسی های تاریخ ایران از اواخر دوره صفویه به بعد نشان می دهد که ایل بختیاری و در راس آن خوانین بختیاری به دلیل برخورداری از شرایط ویژه جغرافیایی قلمرو ایلی، سازمان قبیله ای و نظام ایلی منسجم، در بیش تر حوادث و وقایع تاریخی ایران حضوری موثر و فعال داشتند. نوع زندگی، آداب و رسوم حاکم بر جامعه بختیاری و ساخت و بافت روستاها مبین نظام های کهنه و نو عشایری در منطقه است. مجموعه ایل بختیاری همراه با سنن و شیوه های خاص زندگی، به تنهایی یکی از جاذبه های بی نظیر و چشم گیر این منطقه است (زاهدی، ۱۳۷۹: ۲۶).

زندگی ایلی با الگوی سکونت و آداب و رسوم ویژه، که مورد علاقه گردشگران و دیدارکنندگان داخلی و خارجی است، یکی از دیدنی های جالب توجه قوم لر است. کوچ روهای بختیاری، زمستان را در دشت های شرق خوزستان و تابستان را در بخش های غربی منطقه چهارمحال و بختیاری به سر می برند. آن ها هر ساله از اواخر اردیبهشت ماه از پنج مسیر مختلف همراه با مبارزه ای خستگی ناپذیر با سختی های طبیعت، ضمن عبور از رودخانه ها، دره ها، و پشت سر گذاشتن بلندی های زردکوه در مناطق معینی از دامنه زاگرس پراکنده می شوند و نزدیک سه ماه در این منطقه می مانند و با چرای دام ها در مراتع سرسبز به رمه داری مشغول می شوند.

نحوه معیشت و زیست، الگوی سکونت و باورداشت ها، سنت ها و آداب و رسوم، طبیعت منحصر به فرد منطقه و سرانجام ویژگی راه های ایلی از جمله جاذبه های دیدنی شیوه زندگی عشایر بختیاری است.

عشایر قشقایی که با کوچ درازمدت خود خطه اصفهان را به خلیج فارس پیوند می دهند، از مشهورترین ایلات کشور هستند. ایلات خمسه نیز که شامل ایل عرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر است یک مجموعه ناهمگون است که برخی از آن ها به دلایل سیاسی در زمان قاجاریه یک جانشین شدند. ایلات خمسه پس از بختیاری ها و قشقایی ها سومین واحد دام داری متحرک ایران به شمار می آیند. عشایر عرب در جنوب غرب ایران ساکن هستند و از خصوصیات ویژه ای برخوردارند. آن ها در دوستی اصیل و ثابت قدم بوده و در برابر مشکلات شجاع و مقاوم اند. عشایر بی حرمتی به قومیت خود را به هیچ وجه تاب نمی آورند و میهمان نوازی و آزادمنشی از ویژگی های این قوم سخت کوش است (زاهدی، ۱۳۷۹: ۳۰).

علاقه فراوان عرب ها به جشن های ملی و محلی و به جا آوردن کلیه آداب و رسوم مربوط به آنها نیز از جمله جاذبه های گردشگری این قوم به شمار می روند. عید فطر در نزد عرب ها به مدت هفت روز گرفته می شود و عید قربان یک روز تمام به جشن و شادی می گذرد. از آداب کهن این منطقه که از قرن ها پیش هم چنان پابرجاست گرمی داشتن نوروز و آتش افروزی چهارشنبه سوری است.

ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می گیرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی شدید و در مجموع منطقه ای کم آب و کم باران با آب و هوای گرم کویری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه روز است. عشایر بلوچ از مهم ترین ایل های ساکن در جنوب شرق ایران هستند. مجموع شگفتی های طبیعی، حوزه یادشده را به ۴ منطقه بیلاقی (دره های کوه تفتان و منطقه بردسیر و لاله زار و بارز با آب و هوای لطیف و چشمه های گوارا) معتدل (با اختلاف شدید درجه حرارت در روز و شب) گرمسیری (با هوای خفقان آور و گرمای شدید در شبانه روز) ساحلی (با هوای گرم و مرطوب) تقسیم کرده است. بیش ترین تراکم جمعیت عشایری این حوزه در امتداد کوهستان های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می شوند. طرز زندگی خاص عشایر بلوچ، روابط خویشاوندی، پیوندهای اجتماعی، بهره گیری از منزلت های اقتصادی اجتماعی درون طایفه ای، شناخت امتیازات براساس نظام سلسله مراتبی و سرداری ایلی به همراه آداب و رسوم ویژه این قومیت از جمله جاذبه های این ایل ساکن کرانه های جنوب شرقی ایران است. بلوچ ها در مبارزه با طبیعت و اقلیم سخت و در اثر محدودیت منابع و فقر طبیعت، خصوصیات ویژه یافته اند که آنان را از عشایر مناطق دیگر متمایز می سازد.

ایلات و عشایر حوزه شمال غرب

حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است. جنگل های تنک، مرغزارهای سرسبز و مراتع پهناور از ویژگی های این ناحیه است که سبب زندگی عشایر در این منطقه شده است. در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می کنند. بیلاق آن ها در کوهپایه های سیلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشگین شهر است و طوایف ارسباران (قره داغ) و طوایف خلخال در کوه های طالش زندگی می کنند. قشلاق شاهسون ها و طوایف ارسباران، جلگه کم عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قزل اوزن است. ایل میلان و ایل جلالی نیز در همین حوزه در منتهی البه شمال غربی زندگی می کنند (شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۷).

ایلات و عشایر حوزه شمال شرق

حوزه شمال شرقی ایران به دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی برخوردار است. این سرزمین دارای جنگل در قسمت های شمال غربی و مراتع متوسط و ضعیف در سایر قسمت ها است. ایلات و طوایف این حوزه نیز از پیشینه و قدمت طولانی برخوردارند. بخشی مانند ایلات زعفرانلو و شادلو و قاچورلو از اکرادی هستند که در زمان شاه عباس اول صفوی به خراسان کوچانده شدند. ایل افشار که از دیرزمان در خراسان ساکن بوده، از ایلات ترک است. ایلات کرد زعفرانلو در شمال و شمال شرقی خراسان رضوی پراکنده شده اند (شهنازی، ۱۳۹۵: ۱۶). ایلات ترک افشار از منتهی الیه شمالی خراسان، درگز و کوهپایه های کپه داغ تا الله اکبر تا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو و... کوچ می کنند. در مناطق تربت جام، تایباد و خواف، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوچ و سیستانی زندگی می کنند. در حرکت به جنوب با ایل بهلولی مواجه می شویم که بیلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قائنات است. ترکمن ها جذاب ترین عشایر منطقه شمال شرق ایران هستند که محل زندگی آن ها، زیورآلات، لباس های محلی، مراسم عروسی و عزای آنها برای گردشگران بسیار جالب است.

ضمن آن که تقریباً تنها قومی هستند که اجازه می دهند غریبه ها در مراسم خصوصی آن ها شرکت کنند بنابراین بازدیدکنندگان بی هیچ دغدغه ای می توانند مراسم خصوصی چون عروسی و جشن های ترکمن های مهربان را از نزدیک ببینند. وجود عشایر ترکمن و آداب و رسوم جذاب آن ها سبب شده آن ها یکی از معروف ترین عشایر ایران پس از عشایر قشقایی باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنایی با آداب و رسوم آن ها دارند.

ایلات و عشایر حوزه مرکزی

حوزه مرکزی ایران شامل استان های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران و بخشی از مازندران می شود که ویژگی عمده آن ها نزدیکی به پایتخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی متمایزی نسبت به دیگر عشایر باشند. طوایف لر چگینی و غیاثوند، طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می کنند.

در استان همدان نیز طوایف ترکاشوند، یارم طاقلو، جیمیر و شاهسون زندگی می کنند. در دامنه های جنوبی البرز و در شمال استان سمنان و شمال و شمال غرب استان تهران طوایف نیمه کوچ نشین با تنوع فراوان نژادی و قومی زندگی می کنند.

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد؛ خانه مسکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می شود و جنبه دائمی دارند. چادر نیز در میان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آن ها مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مسطیلی است (شهبازی، ۱۳۹۵: ۲۰).

هر یک از ایلات و عشایر یاد شده دسته ها و رده بندی های ایلی خاص آن منطقه که به تفصیل در مناطق مورد نظر آورده خواهد شد را رعایت می کنند و آداب و رسوم و شیوه های زندگی هر یک از این اقوام با یک دیگر تفاوت های اساسی دارند که همه این تفاوت ها و گونه گونی ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند.

روش تحقیق

به منظور شناخت پیامدهای فرهنگی و مدیریتی در زندگی عشایر و عوامل موثر بر آن مقالات پژوهشی و مروری مرتبط با تحقیقات انجام شده در این زمینه مرور شدند بیشتر تحقیقات بر روی موضوع فرهنگ عشایر انجام گرفته اند و تحقیقات مدیریتی در زندگی عشایر روبه افزایش است.

یافته های تحقیق

زاگرس قلب تپنده حیات عشایر ایران از حدود ۴۰ هزار سال پیش دامنه های زاگرس پذیرای انسان هایی بوده که از رودخانه ها، گیاهان و حیوانات آن برای زندگی بهره برده اند. اگرچه در خصوص دوران پیش از تاریخ نمی توان با اطمینان سخن گفت اما پژوهشگران معتقدند که اصالت ساکنان رشته کوه های زاگرس ممکن است به عیلامی ها برسد که پیش از ظهور هخامنشیان در دامنه های زاگرس می زیستند.

در طول هزاران سال مردمانی که رشته‌کوه‌های زاگرس را محل سکونت خود قرار داده بودند زندگی عشایری و کوچ‌نشینی داشتند و به دنبال علوفه برای دام‌هایشان و زندگی در هوایی مساعدتر از یک سوی این رشته‌کوه‌های غربی کشورمان به سوی دیگر آن کوچ می‌کردند. در طول سال‌های متمادی تمدن، فرهنگ، تاریخ و هنر ویژه و منحصر به فردی توسط کوچ‌نشینان اطراف رشته کوه زاگرس شکل گرفته که بسیار اثرگذار و قابل ستایش است.

کنار دریاچه سد دز در شمال شرقی استان خوزستان، رودخانه «سزار» - سرشاخه اصلی رود دز - قرار دارد. این رودخانه در جوار رشته‌کوه‌های خاکی‌رنگ زاگرس و درختان سبز و خودرویی که بر دامنه کوه‌ها ریشه دوانده‌اند واقع شده است. مسیر رودخانه ما را به محل سکونت ایل بختیاری ساکنان تاریخی رشته‌کوه‌های بلند زاگرس می‌برد.

برای آنکه به سد دز برسیم باید ابتدا با قطار راهی اندیمشک شویم. در اواسط زمستان در اندیمشک معمولاً دمای هوا بالای ۲۰ درجه سانتیگراد بوده و کاملاً مطبوع است. از اینجا باید به دزفول رفته و از این شهر راهی جاده شهیون شویم، جاده‌ای باریک و با سربالایی و سربالایی‌های زیاد ما را از جاده شهیون به روستای پامنار می‌رساند. این روستا درست در کنار دریاچه سد دز قرار دارد و آب‌وهوای آن اغلب خنک‌تر از شهرهای اطراف است. وجود دریاچه سد دز نه تنها منظره‌ای زیبا برای خانه‌های روستا که درست روبه‌روی دریاچه هستند می‌سازد، بلکه باعث شده تا رطوبت هوا حسی مطبوع به آدمی داده و اغلب روزهای این روستا را مه‌آلود و بارانی کند.

در کنار دریاچه نیز قایق‌هایی اجاره داده می‌شود که می‌توان از آنها برای قایق‌سواری تفریحی استفاده کرد. آن‌طور که روستاییان می‌گویند روستای پامنار قبلاً در جای دیگری بنا شده بود اما در زمان پهلوی روستاییان را به محل فعلی آن منتقل می‌کنند.

این روستا یک قلعه تاریخی و یک قبرستان قدیمی نیز دارد، قدمت قلعه شاداب روستای پامنار به دوره ساسانیان می‌رسد و دیدن بنای تاریخی ۱۵ متری آن که تا دوره معاصر هم مورد استفاده بوده خالی از لطف نیست. قبرستان این روستا اما بسیار متفاوت از سایر قبرستان‌هاست، سنگ قبرهای قدیمی به صورت عمودی در زمین کاشته شده و به جای نوشته‌های فارسی علائم و نشانه‌هایی روی آنها حک شده است، آن‌طور که محلی‌ها می‌گویند این نقوش بیانگر مشخصات متوفی هستند.

بعضی از علائم حک شده روی قبرهای مردان افراد سوار بر اسب را به تصویر کشیده که نماد جنگاوری است. روی قبرهای زنان فوت‌شده نیز نشانه‌هایی از جنگاوری و رقص حک شده است. بدون شک

تصاویر حک شده بر این سنگ قبرهای قدیمی روایت کننده ویژگی‌ها و آداب و رسوم کهن زاگرس نشینان بوده و توجه به آنها ذهن هر گردشگر کنجکاوی را برای مدت‌ها درگیر خواهد کرد. رنگ سبزآبی دریاچه دز، چمن‌های مخملی که گویی با رنگ سبز کمرنگ نقاشی شده‌اند و از دامنه کوه‌های زاگرس بالا می‌روند تصاویری ماورایی پیش چشمان هر بیننده‌ای ترسیم می‌کند. گل‌های لاله قرمز هر چند متر در میان در لابه‌لای چمن‌ها خودنمایی می‌کنند و اسب‌های آزاد سیاه و سفید با خیالی آسوده در چمنزارها چرا می‌کنند. براساس اطلاعات موجود سد دز در سال ۱۳۳۶ بنا شده است اما قبل از آن محل فعلی دریاچه پذیرای کوچ‌نشینانی بوده که از الیگودرز و سرمای آن در فصول سرد سال به اینجا پناه می‌آوردند.

برای آنکه به نقطه‌ای برسیم که بتوان شاهد حضور عشایر کوچ‌نشین بود باید سوار قایق شده و از اینجا به سمت منطقه «هیگ او» برویم. در مسیر قایق‌سواری متوجه می‌شوید که آب آنقدر زلال و تمیز است که حتی امکان نوشیدن آن وجود دارد. با قایق تا منطقه «هیگ او» که در لری به معنی جایی که چاله‌ای پر از آب است می‌رویم.

دو طرف این منطقه چشمه‌هایی وجود دارد و کف زمین با سنگ‌هایی به بزرگی کف دستان پوشانده شده است و فضای اطراف را سنگ‌های غول‌پیکر و خاکی‌رنگ پوشانده است.

هر چند صدمتر تک‌درختی در کنار مسیر به چشم می‌خورد. این درخت‌ها کُنار نام دارند و در واقع همان درختی هستند که از برگ‌هایش صدر را تهیه می‌کنند و برای شست‌وشوی مو مورد استفاده قرار می‌دهند.

درخت کُنار برگ‌های متعدد کوچک و سبز رنگی دارد و همواره پذیرای انبوه گنجشک‌ها و سایر پرندگانی است که در این منطقه زندگی می‌کنند. میوه درخت کُنار شبیه زالزالک است و در این منطقه طرفداران زیادی دارد. پیاده‌روی از میان دره‌هایی که با کوه‌های بلند احاطه شده‌اند و عبور از لبه پرتگاه‌هایی که گاه تا ۷۰ متر ارتفاع دارند شما را به منطقه‌ای می‌رساند که عشایر در آنجا ساکن هستند، البته فکر آنکه بدون راهنمای محلی به این منطقه برسید را از سر بیرون کنید.

شب‌ها آتش عشایر ایل بختیاری همیشه به راه است و زن‌های عشایر ورقه فلزی نازکی را روی آتش گذاشته و روی آن نان می‌پزند. این نان را که بسیار نازک است نان «تابه» ای یا نان «تیری» می‌نامند. مردهای بختیاری معمولاً لباس‌های بدون آستینی روی پیراهن‌هایشان می‌پوشند که به آنها «چوقا» می‌گویند. این لباس یکی از قدیمی‌ترین لباس‌های ایرانی‌هاست و براساس برخی گمانه‌زنی‌ها از حدود

چهار هزار سال پیش توسط ساکنان جنوب غرب فلات ایران یعنی عیلامیان مورد استفاده بوده است. کلاه نمدی و شلوار «دبیت» که شلواری پاچه‌گشاد است هم ظاهر مردان عشایر بختیاری را کامل می‌کند.

عشایر در سیاه‌چادرها زندگی می‌کنند و صدای گوسفندان و زنگوله‌هایشان و نیز صدای پارس سگ‌ها همواره در اطراف چادرهایشان به گوش می‌رسد.

کار بافت سیاه‌چادر، گلیم، فرش و توبره کار بسیار دشوار و طاقت‌فرسایی است که زنان عشایر بختیاری با عشق و حوصله این کارها را در طول تاریخ پرقدمتشان انجام داده و می‌دهند. صفر تا صد درست کردن لباس و سیاه‌چادر توسط خود عشایر صورت می‌گیرد و از چیدین پشم تا رسیدن آن و بافتن سیاه‌چادر یا لباس همه و همه حاصل کار دستان هنرمند زنان ایل بختیاری است.

- این استان به عنوان یکی از مناطق بکر به «پایتخت طبیعت ایران» مشهور است و مردمان آن دارای خصوصیات اثبات شده از جمله دلیری، مهمان‌نوازی و غیرتمندی هستند.

- عشایر بختیاری مفهومی از رشادت، سلحشوری، جنگاوری و انس و وابستگی با طبیعت را زنده می‌کنند. کوچ واژه‌ای که حزن و اندوه جدایی از زیستگاه قبیله را در خود دارد و اساس زندگی عشایر بختیاری را می‌سازد.

امروز موعد سفر به قلب دامنه‌های رشته کوه زاگرس و مهمانی در سیاه‌چادرهای عشایر بختیاری است. قوم شجاعی که تجملات زندگی را در یک سیاه‌چادر به‌عنوان سقف معنا می‌کنند. مردمان بی‌ادعایی که کوچ را مبنا و مهم‌ترین اصل هستی عشایر می‌شمارند. عشایر بختیاری، مردمانی هستند که با خوب و بد طبیعت سازگاری یافته‌اند. آنان که سیل غارتگر، آفتاب سوزان، طوفان ویرانگر و هزاران عامل مخرب دیگر در طبیعت را با دلاوری و شجاعت پشت سر می‌گذارند. اما باز هم دل به سفر و کوچ می‌سپارند.

عشیره در معنای لغوی شامل قبیله و طایفه است. اما عشایر شامل آن دسته از افرادی هستند که به عشیره وابسته هستند. مکان زندگی عشایر بختیاری اغلب در خوزستان، زاگرس میانی از جمله چهارمحال بختیاری و حتی اصفهان است. معیارهای زندگی عشایر بختیاری، با زندگی پیچیده‌ی شهرنشینی و حتی زندگی ساده‌ی روستایی مغایر است. عشایر بختیاری با دامداری امرار معاش کرده و حتی مبنای کوچ آنان نیز به‌خاطر دام‌ها و یافتن چراگاه و مراتع سرسبز شکل می‌گیرد.

مال کَنون نام مسلکی قدیمی است که ریشه در پیکره و تاریخ عشایر بختیاری دارد. مال به معنای مجموعه سیاه چادرهای هر عشیره است که نشان دهنده آبادانی و خرمی است و کَنون یعنی از جا کنده شدن. هر عشیره ای ابتدا با بزرگ قوم خود هماهنگی های لازم را به عمل می آورد. سپس افراد طایفه و ایل خود را دور هم جمع می کند و آوازی از درد و اندوه آغاز می کند. غم شروع سفری دیگر و داغ از فراغ زمینی که در آن زندگی می کرد. در راه سفر افراد ناتوان به همراه کودکان و زنان بر اسب سوار می شوند.

اما مردان جوان با سلاح های سرد و گرم به مراقبت از گله و افراد عشیره می پردازند. بهتر است بدانید که زمان کوچ در دو فصل از سال، یکی کوچ به بیلاق در اوایل بهار و دیگری با شروع گرما به سوی نواحی سردسیر و کوچ به قشلاق و مناطق گرمسیری هم زمان با آغاز پاییز است.

بنیاد فعالیت گروه عشایر بختیاری بر دامداری و تهیه ی لبنیات، گوشت و پوست استوار است. اما زنان عشایر این اقلیم با سرانگشتان هنرمند خود در تولید قالی، سیاه چادر، گلیم، جاجیم و همین طور لباس های بافتنی، نقش مهمی را ایفا می کنند. فراموش نکنید که در سفر به این منطقه به یادگار از هنرهای دستی عشایر بختیاری چیزی به عنوان سوغات بخرید.

بانوان و دختران عشایری در مناسبت های گوناگون هم چون عروسی، زمان کوچ و غیره اغلب لباس هایی از پارچه های رنگارنگ و شاد را ترجیح می دهند. لباس های زیبای آنان مانند لچک، پیراهن، شلوار قری و غیره جلوه ای دلچسب و پوششی همراه با راحتی دارد. شما خواهید دید که لباس مردان عشایر بختیاری نیز این راحتی و زیبایی را نشان می دهد. بالاپوش مردانه که از پشم گوسفند تهیه شده چوخا یا چوقا نامیده می شود. شلوار دبیت، شال، گیوه و چیزهایی از این دست همه نشان از فرهنگ اصیل و بومی عشایر بختیاری دارد.

گذر از تپه های سرسبز، دره های عمیق و قلعه ی بلند زردکوه در قلب زاگرس، با هم نوایی آواز خوش پرندگان بر درختان بلوط و تماشای میوه ی کوچک و ترش مزه ی کلخنگ در شیار سنگ ها، بسیار زیباست. در کشاکش این هیجان، صمیمیت و صفای باطن مردمان بختیاری بسیار تماشایی است.

نتایج تحقیق

غیرت و جوانمردی، وفاداری، عشق به میهن، قدرشناسی و سخت کوشی از واژه هایی است که همواره از بعد از انقلاب تاکنون با عشایر دلیر و سلحشور عجین است. عشایر علاوه بر ایفای نقشی مهم در

تولید، غیرت و تعصب آنها در حفظ یکپارچگی سرزمینی و دفاع از وطن مثال زدنی است. بسیاری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها هنوز ناشناخته است و برگزاری جشن‌ها و مراسمات ملی با هدف معرفی آنها می‌تواند تا حد زیادی فرهنگ عشایر را در سطح ملی و بین‌المللی به مردم بشناساند. با همدلی و رفع موانع، ظرفیت‌های باید از بالقوه به بالفعل تبدیل شوند و استفاده از آنها به عنوان یک ضرورت می‌تواند توسعه بیش از پیش عشایر را به همراه داشته باشد.

زندگی عشایر غیور کشور در سیاه چادرها و کوچ فصلی آنها به نقاط مختلف کشور برای دستیابی به شرایط بهتر در پرورش دام، تولید محصول‌های لبنی و صنایع دستی کشور، نقش آنان را در خدمت به کشور برجسته کرده است. سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری هزینه نیست بلکه یک فرصت است که باید اقدامات بیشتری در این خصوص انجام شود. امروزه گردشگری بوم‌گردی و آداب و سنن اقوام به ویژه شیوه زندگی عشایری یکی از مهمترین جاذبه‌های مهم توریستی محسوب می‌شود که برگزاری جشنواره‌ها در همین راستا و معرفی آداب، سنن و اقوام عشایری می‌تواند تاثیر گذار باشد.

ایران ما سرزمینی با گوناگونی جمعیت‌های قومی، موزائیکی زیبا از اقوام مختلف می‌باشد. از این تنوع منحصر به فرد و بسیار غنی، به عنوان یکی از نقاط قوت در طول تاریخ کهن این سرزمین یاد شده است. در تمامی ادوار در این کهن دیار، اقوام مختلف، زندگی مسالمت آمیزی در کنار یکدیگر داشته‌اند که ماحصل این ارتباط تنگاتنگ، امنیت، پیشرفت و استقلال فرهنگی و اجتماعی این سرزمین و مردمانش بوده است.

شناخت خویشتن، فرهنگ غنی چندین هزارساله، تاریخ پرفراز و نشیب و درک تفاوت‌های فرهنگی، می‌تواند یکی از ارکان نزدیکی و وحدت بیشتر اقوام این سرزمین باشد. در دنیای کنونی، گردشگری نقشی تعیین کننده در احیای هویت فرهنگی ایرانیان بر عهده دارد و در بین تمام عناصر تشکیل دهنده صنعت گردشگری، راهنمایان به عنوان سفیران فرهنگی، کلیدی‌ترین نقش را در برقراری ارتباط سالم و سازنده بین گردشگران با مردمان بومی و اقوام ساکن این خاک و ایجاد شناخت بر عهده دارند و به مثابه پلی دو طرفه، وظیفه ایجاد ارتباط و نزدیکی گردشگران و جوامع محلی را به عهده دارند.

منابع و مأخذ

- ۱- اسماعیل پور، جمشید (۱۳۹۱)، *عشایر آذربایجان و ایلات مغان*، تبریز، موسسه ی هنری فاخته.
- ۲- امان اللهی، اسکندر (۱۳۹۸)، *کوچ نشینی در ایران*. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۹۹)، *مقدمه ی بر شناخت ایل ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*. تهران.
- ۴- برخوردار، ارسلان (۱۳۹۴)، *کوچ نشینان ایران*. تهران. داستان.
- ۵- زاهد، سعید (۱۳۷۹)، *اسکان عشایر از حاشیه نشینی و برنامه ریزی*، شیراز، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه. شیراز.
- ۶- شهبازی، عبدالله (۱۳۹۵)، *مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر*. تهران. نشرنی.
- ۷- مشیری، سید رحیم (۱۳۹۶)، *جغرافیای کوچ نشینی*، تهران. سمت.

Examining Consequences cultural and Management the Iranian tribe's life.

Abstract

The small course of human life is the oldest and most established of all, and the most distinguished of all, the mode of living, which has caused the Ipat and Dhiab the most profound of the age of technology. The tribes changed into a fascinating, incredible way that for centuries past had worked to preserve traditions and customs, and that had become a force of attraction to it.

where the tribes lived, and the language, and music, and local food, and hand industries, and dancing, and local costumes, together with mirrors for wedding and local ceremonies, and the most important attractions of Awali and the tribesmen. The most distinguished of them are their Biasha ways, which, unlike urban and villagers, are in their own villages, and in the constant wanderings of their tents and towns. They scattered the small tribes which are one of the more important tourists in every area of Iran, out of the West and South, East and South, East, North of East, East, and Central of Iran and.

Keywords: Homer , Technology , Tourism, Tradition.
